

# کتاب دانیال - شماره شصت و یک

پرده برداری از تار و پود پیش‌گویانه: شناخت رویاهای دانیال، پیمان و زمان مهر و موم در واپسین روزها

Jeff Pippenger

2024-01-25

جبرئیل در باب نهم نزد دانیال آمد تا او را از بینش و فهم آن دو رویا که در باب هشتم مطرح شده بودند، برخوردار سازد.

و او مرا آگاه ساخت و با من سخن گفت و گفت: ای دانیال، اکنون بیرون آمده‌ام تا به تو بصیرت و فهم بدهم. در آغاز تضرعات تو فرمان صادر شد و من آمده‌ام تا تو را خبر دهم، زیرا تو بسیار محبوی؛ پس سخن را بفهم و رؤیا را درک کن. دانیال ۲۲:۹، ۲۳.

برای اینکه دانیال «فهمی» را که نیاز داشت به دست آورد، جبرئیل به او گفت که هم «امر» را بفهمد و هم «رؤیا» را. «امر» همان رؤیای پایمال شدن قدس و لشکر بود، و «رؤیا» رؤیای ظهور در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود. خواهر وایت نیز بر این دو رؤیا تأکید می‌کند، زمانی که به ما اطلاع می‌دهد دانیال در پی فهم نسبت اسارت هفتادساله و دو هزار و سیصد سال بود. هفتاد سال همان چیزی است که جبرئیل آن را «امر» معرفی کرد و «رؤیا» دو هزار و سیصد سال بود. هنگامی که جبرئیل تعبیر دو هزار و سیصد سال را ارائه می‌کند، دانیال نماینده «حکیمان» روزهای آخر است. «حکیمان» در تعبیر جبرئیل، هم «امر» و هم «رؤیا» را می‌شناسند، اما شریبان در نمی‌یابند. میلریت‌ها «امر» و «رؤیا» را فهمیدند، اما فقط به شکلی محدود.

چهارصد و نود سال مهلت، دوره‌ای بود که بر چهارصد و نود سال سرکشی علیه عهد «هفت بار» که در لایوان فصل‌های بیست و پنج و بیست و شش بیان شده است، استوار بود. اسارت هفتادساله، مجموع همه‌ی سال‌هایی بود که به زمین اجازه داده نشده بود از استراحت خود بهره‌مند شود.

آن هفته‌ای که مسیح عهد را با بسیاری تثبیت کرد، نمونه‌ای از کشمکش عهد او بود، چنان‌که با دو دوره هزار و دویست و شصت‌روزه نشان داده می‌شود. آن هفته نبوتی با صلیب به دو بخش تقسیم شد که نماد مهر خداست.

مهر خدای زنده چیست که بر پیشانی‌های قوم او نهاده می‌شود؟ آن نشانه‌ای است که فرشتگان، نه چشمان انسان، می‌توانند آن را بخوانند؛ زیرا فرشته هلاک‌کننده باید این نشان رستگاری را ببیند. ذهن خردمند، نشان صلیب جلجتا را در پسران و دختران به فرزندی پذیرفته خداوند دیده است. گناه سرپیچی از شریعت خدا زدوده شده است. آنان جامه عروسی بر تن دارند و نسبت به همه فرمان‌های خدا مطیع و وفادارند. Manuscript Releases، جلد ۲۱، ۵۲.

آن هفته نماد دو دوره هزار و دویست و شصت ساله بود که خط فاصل‌شان قانون یکشنبه سال ۵۳۸ (نشان وحش) بود؛ در طی آنها نخست بت‌پرستی و سپس پاپ‌گرایی قدس و لشکر را پایمال کردند. به مدت هزار و دویست و شصت روز، مسیح شهادت خود را داد؛ سپس به مدت هزار و دویست و شصت روز دیگر، همان شهادت را از طریق شاگردانش داد. به مدت هزار و دویست و شصت سال، شیطان از طریق بت‌پرستی شهادت خود را داد، و سپس به مدت هزار و دویست و شصت سال دیگر، شیطان از طریق دستگاه پاپی شهادت خود را داد.

آن عهد که به سبب نافرمانی اسرائیل باستان به «مخاصمه» خدا بدل شد، عهد لاویان، باب بیست و پنجم بود؛ عهدی که در آن استراحت زمین و سال یوبیل که می‌بایست هر چهار و نهمین سال جشن گرفته شود، تشریح شده بود.

و خداوند بر کوه سینا با موسی سخن گفت و فرمود: به بنی اسرائیل بگو: چون به سرزمینی که به شما می‌دهم درآیید، آنگاه آن زمین سبتی برای خداوند نگاه دارد. شش سال مزرعه‌های خود را بکارید و شش سال تاکستان‌های خود را هرس کنید و محصول آن را جمع کنید؛ اما در سال هفتم، برای زمین سبتی از استراحت خواهد بود، سبتی برای خداوند: نه مزرعه‌های خود را بکارید و نه تاکستان‌های خود را هرس کنید. آنچه از برداشت شما خودبه‌خود بروید، درو مکنید، و انگور تاکستان هرس نشده خود را جمع نکنید، زیرا آن سال برای زمین سالی از استراحت است. و سبت زمین برای شما خوراک خواهد بود؛ برای شما و برای غلامان و کنیزان شما و برای اجیران شما و برای غریبه‌ای که با شما اقامت دارد، و نیز برای دام‌های شما و جانورانی که در سرزمین شما هستند؛ تمامی محصول آن خوراک خواهد بود. و برای خود هفت سبت سال‌ها بشمارید، هفت بار هفت سال؛ پس مدت هفت سبت سال‌ها برای شما چهل‌ونه سال خواهد بود. آنگاه در روز دهم از ماه هفتم، در روز کفاره، کرنای یوبیل را به صدا درآورید؛ در سراسر سرزمین خود صدای کرنای را طنین‌انداز کنید. و سال پنجاهم را تقدیس کنید و آزادی را در تمام زمین برای همه ساکنان آن اعلام نمایید: این برای شما یوبیل خواهد بود؛ و هر کس به ملک خود بازگردد و هر کس به خاندان خود بازگردد. آن سال پنجاهم برای شما یوبیل باشد: نه بکارید، و نه آنچه خودروی آن است درو کنید، و نه انگور تاکستان هرس نشده خود را بچینید. زیرا یوبیل است؛ برای شما مقدس خواهد بود؛ از محصول آن که در مزرعه می‌روید خواهید خورد. در سال این یوبیل، هر کس به ملک خود بازخواهد گشت. لاویان 1: 25-13.

دوره نخست پیشگویی دوهزار و سیصد ساله، همچون هفته‌ای که مسیح عهد را تأیید کرد و نیز چهارصد و نود سال، به‌طور مستقیم با «هفت بار» در باب‌های بیست و پنج و بیست و شش لاویان مرتبط است.

پس بدان و بفهم که از صدور فرمان برای اعاده و بنای اورشلیم تا به مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود؛ کوچه و حصار دوباره بنا خواهد شد، حتی در زمان‌های تنگی. دانیال ۹:۲

شصت و نه هفته، که از سال ۴۵۷ قبل از میلاد آغاز می‌شود، به تعمیم مسیح و آغاز آن هفته‌ای منتهی می‌شود که در آن او عهد را تأیید کرد؛ که همان عهد «نزع» خدا بود. اما یک «هفته هفته‌ها» (چهل و نه سال) وجود داشت که به‌وسیله عبارت «هفت هفته و شصت و دو هفته» از آن شصت و نه هفته جدا شده بود. با آغاز از سال ۴۵۷ قبل از میلاد، چهل و نه سال مقرر بود که اشاره‌ای آشکار به عهد فصل بیست و پنجم سفر لاویان و به جشن یوبیل است. آن چهل و نه سال نه تنها نمادی از چرخه‌های یوبیل بود، بلکه نمادی از عید پنتکاست نیز بود؛ که روز پنجاهمی است که پس از چهل و نه روز عید هفته‌ها می‌آید.

چهل و نه سال نخست آن دوهزار و سیصد سال، چهارصد و نود سال، و آن «هفته» ای که در آن عهد تأیید شد، همگی به‌طور مستقیم با دوهزار و پانصد و بیست سالی که در لاویان باب بیست و شش به صورت «هفت بار» بیان شده است، پیوند دارند. هر جزء از نبوت دوهزار و سیصد ساله مستقیماً با «هفت بار»ی مرتبط است که ادونتیسیم در سال ۱۸۶۳ آن را کنار گذاشت و رد کرد. «هفت بار» نمادی از عهد یوبیل است، و از این‌رو باید توجه داشت که وقتی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آن دوهزار و سیصد سال به پایان رسید، همان روز آن دوهزار و پانصد و بیست سال نیز به پایان رسید، زیرا موسی در لاویان باب بیست و پنج چنین ثبت کرده است:

و برای خود هفت سبت سال‌ها بشمار، هفت بار هفت سال؛ و مدت این هفت سبت سال‌ها برای تو چهل و نه سال باشد. آنگاه در روز دهم ماه هفتم، شیپور یوبیل را به صدا درآوری؛ در روز کفاره، در سراسر سرزمین خود شیپور را به صدا درآورید. لاویان ۸: ۲۵، ۹.

هر دوره نبوتی درون دوره دوهزار و سیصد ساله، به‌طور مستقیم با «هفت‌بار» لاویان بیست‌وشش پیوند دارد، از جمله روزی که هر دو دوره نبوتی پایان یافتند. نخستین چهل‌ونه سال کار بازسازی و احیای اورشلیم را مشخص می‌کرد که با خروج قوم خدا از بابل نهایی می‌شد. هیکل پیش از فرمان سوم به پایان رسید، همان‌گونه که هیکل میلریتی نیز پیش از آمدن فرشته سوم به پایان رسید. با این‌حال، پس از ۴۵۷ پیش از میلاد، «خیابان» هنوز باید «دوباره ساخته شود، و دیوار نیز، حتی در زمان‌های دشوار». به‌عنوان آلفا و امگا، عیسی همواره پایان یک چیز را با آغاز آن نشان می‌دهد، و پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، میلریتی‌ها می‌بایست «خیابان» و «دیوار» را «در زمان‌های پرآشوب» به پایان برسانند.

خواهر وایت دیوار واقعی حفاظت پیرامون اورشلیم را نمادی از شریعت خدا معرفی می‌کند، و بلافاصله پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، اهل ایمان به قدس آسمانی هدایت شدند و شریعت خدا (دیوار) را شناختند. برای شناخت شریعت خدا، از جمله سبت، میلری‌ها به عهد اسرائیل باستان بازگردانده شدند. بازسازی «خیابان» واقعی، همان احیایی است که به‌طور روحانی هنگامی تحقق یافت که میلری‌ها به «راه‌های کهن» ارمیا بازگشتند. «زمان‌های پرمشقت»ی که قرار بود در دوره‌ای که دیوار و خیابان برقرار می‌شدند وجود داشته باشد، باید پس از ۱۸۴۴ تحقق می‌یافت، و جنگ داخلی که در آن هنگام نزدیک می‌شد و به‌زودی در همان مقطع تاریخی آغاز گردید، نمایانگر همان زمان‌های پرمشقت بود.

اگر وفادار می‌ماندند، به سال پنجاهم نمادین یوبیل (که در آن بردگان آزاد می‌شوند) می‌رسیدند؛ سالی که روز پنجاهم پنطیکاست نیز نماینده آن بود (که در آن پیام رهایی به سراسر جهان می‌رسد). اما پس از ۱۸۴۴، بیشترشان با نور سبت مخالفت کردند و در ۱۸۶۳ پیام موسی («هفت زمان») را نیز که توسط ایلیا (ویلیام میلر) به آنان رسانده شده بود، رد کردند. به عبارت دیگر، از «راه» (راه‌های کهن) که می‌بایست آن را بازسازی کرده و در آن گام بردارند، روی برتافتند.

عیسی همواره پایان را با آغاز نشان می‌دهد، و هنگامی که مثل ده باکره در روزهای آخر تکرار می‌شود، کار بازسازی اورشلیم بار دیگر باید به انجام برسد. «خیابان و دیوار» در «زمان‌های پرآشوب» بنا خواهند شد. اکنون در حال ورود به همان زمان‌های پرآشوب هستیم. ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نماذج قانون یکشنبه است که به‌زودی فرا می‌رسد؛ پس هنگامی که «ساعت زلزله عظیم» در مکاشفه یازده فرا برسد، خیابان و دیوار در زمان‌های پرآشوب بنا خواهند شد. اکنون آن زمان‌های پرآشوب را «به خشم آمدن امت‌ها» که بر اثر جنگ‌افروزی رو به افزایش اسلام پدید می‌آید، می‌نامیم.

او هنگام توضیح آنچه پیش‌تر درباره «زمان مصیبت» نوشته شده بود، توضیحی ارائه کرد که در کتاب «نوشته‌های نخستین» ثبت شده است.

۱. در صفحه ۳۳ چنین آمده است: «دیدم که سبت مقدس، دیوار جداکننده میان اسرائیل حقیقی خدا و بی‌ایمانان هست و خواهد بود؛ و اینکه سبت، مسئله بزرگی است برای متحد ساختن دل‌های قدیسان عزیز و منتظر خدا. دیدم که خدا فرزندان دارد که سبت را در نمی‌یابند و به جا نمی‌آورند. آنان نور مربوط به آن را رد نکرده‌اند. و در آغاز زمان تنگی، هنگامی که بیرون رفتیم و سبت را به‌طور کامل‌تر اعلام کردیم، از روح‌القدس پر شدیم.»

این رؤیا در سال ۱۸۴۷ داده شد، زمانی که تنها شمار بسیار اندکی از برادران ادونتیست سبت را نگاه می‌داشتند و از میان همان اندک نیز، فقط معدودی می‌پنداشتند که نگاه‌داشتن آن از چنان اهمیتی برخوردار است که بتواند میان قوم خدا و بی‌ایمانان خط تمایزی بکشد. اکنون تحقق آن

رؤیا کم کم آشکار می‌شود. «آغاز آن زمان تنگی» که در اینجا ذکر شده، اشاره به هنگامی که بلاها آغاز به ریخته شدن می‌کنند ندارد، بلکه به دوره‌ای کوتاه درست پیش از ریخته شدن آن‌ها اشاره دارد، زمانی که مسیح در قدس است. در آن هنگام، در حالی که کار نجات رو به پایان است، مصیبت بر زمین خواهد آمد و ملت‌ها خشمگین خواهند شد، اما مهار می‌شوند تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان «باران پسین»، یا تجدید نیرو از حضور خداوند، خواهد آمد تا به صدای بلند فرشته سوم قدرت ببخشد و قدیسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، بایستند. " نوشته‌های نخستین، ۸۵.

یک «دوره کوتاه» وجود دارد که پیش از پایان دوره مهلت است؛ زمانی که «ملت‌ها خشمگین خواهند شد، با این حال در مهار نگاه داشته می‌شوند». هم‌زمان «باران پسین» فرا می‌رسد. «خشمگین شدن ملت‌ها» نمادی است که در باب یازدهم کتاب مکاشفه مشخص شده است.

و ملت‌ها خشمگین شدند، و خشم تو فرارسیده است، و زمان مردگان نیز فرارسیده است تا داوری شوند، و تا تو پاداش دهی به بندگان خویش، یعنی پیامبران، و به قدیسان، و به آنان که از نام تو می‌ترسند، کوچک و بزرگ؛ و نابود کنی کسانی را که زمین را نابود می‌کنند. مکاشفه ۱۱:۱۸.

خواهر وایت درباره این آیه اظهار نظر می‌کند.

دیدم که خشم ملت‌ها، غضب خدا، و زمان داوری مردگان جدا و متمایز از هم بودند و یکی پس از دیگری رخ می‌دادند؛ همچنین اینکه میکائیل هنوز برنخاسته بود و زمان تنگی، چنان که هرگز نبوده است، هنوز آغاز نشده بود. اکنون ملت‌ها در حال خشمگین شدن‌اند، اما هنگامی که کاهن اعظم ما کار خود را در مقدس‌گاه به پایان برساند، برخواید خاست، جامه‌های انتقام را خواهد پوشید، و آنگاه هفت بلای آخر ریخته خواهند شد.

«دیدم که چهار فرشته چهار باد را باز خواهند داشت تا کار عیسی در مقدس‌گاه به انجام برسد، و آنگاه هفت بلای آخر فرا خواهند رسید.» نوشته‌های نخستین، ص ۳۶.

«خشمگین شدن ملت‌ها» درست پیش از بسته شدن دوره آزمایش رخ می‌دهد، زیرا پس از آن «خشم خدا» می‌آید. «خشم خدا» هنگام بسته شدن دوره آزمایش رخ می‌دهد، و «زمان داوری مردگان» به داوری‌ای اشاره دارد که در دوران هزاره روی می‌دهد و ناظر به داوری مردگان که در سال ۱۸۴۴ آغاز شد نیست.

و دیدم فرشته‌ای از آسمان فرود می‌آید که کلید هاویه را دارد و در دستش زنجیری بزرگ است. و اژدها را، آن مار کهن که همان ابلیس و شیطان است، گرفت و او را هزار سال در بند کرد؛ و او را در هاویه افکند و محبوسش ساخت و بر او مهر نهاد تا دیگر امت‌ها را نفریبد، تا آن هزار سال به انجام رسد؛ و پس از آن باید اندک زمانی رها شود. و تخت‌ها دیدم و کسانی بر آنها نشستند و داوری به ایشان سپرده شد؛ و جان‌های کسانی را دیدم که به خاطر شهادت عیسی و به خاطر کلام خدا سر بریده شده بودند، و آنانی که نه وحش را پرستیده بودند و نه تمثال او را، و مهر او را بر پیشانی‌های خود یا بر دست‌های خود نپذیرفته بودند؛ و آنان زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. مکاشفه ۱:۲۰-۴.

داوری‌ای که به قدیسان «واگذار شده» است، نشان می‌دهد که آنان در طول هزاره بر شیران داوری خواهند کرد، نه اینکه خودشان مورد داوری قرار گیرند.

در مدت هزار سال میان رستاخیز نخست و دوم، داوری شیران صورت می‌گیرد. رسول پولس به این داوری به‌عنوان رویدادی که پس از بازگشت دوم خداوند رخ می‌دهد اشاره می‌کند: «هیچ چیز را پیش از وقت داوری نکنید تا خداوند بیاورد؛ همان که امور نهان تاریکی را به روشنایی خواهد آورد

و نیت‌های دل‌ها را آشکار خواهد ساخت.» اول قرن‌تینان ۴:۵. دانیال اعلام می‌کند که وقتی قدیم‌الایام آمد، «داوری به مقدسانِ خدای متعال سپرده شد.» دانیال ۷:۲۲. در این زمان، عادلان به‌عنوان پادشاهان و کاهنان برای خدا سلطنت می‌کنند. یوحنا در مکاشفه می‌گوید: «تخت‌ها را دیدم، و بر آنها نشستند و داوری به ایشان سپرده شد.» «ایشان کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.» مکاشفه ۴:۲۰، ۶. در همین زمان است که، مطابق پیشگویی پولس، «مقدسان جهان را داوری خواهند کرد.» اول قرن‌تینان ۲:۶. آنان در اتحاد با مسیح شریران را داوری می‌کنند، اعمالشان را با کتاب قانون، یعنی کتاب مقدس، می‌سنجند و در هر مورد بر حسب کارهایی که در بدن انجام شده است حکم می‌دهند. آنگاه سهم رنجی که شریران باید متحمل شوند بر حسب اعمالشان تعیین می‌شود؛ و در برابر نامشان در کتاب مرگ ثبت می‌گردد.

شیطان و فرشتگان شریر نیز به‌وسیلهٔ مسیح و قوم او داوری می‌شوند. پولس می‌گوید: «آیا نمی‌دانید که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟» آیه ۳. و یهودا اعلام می‌کند که «فرشتگانی که مقام نخستین خود را نگاه نداشتند، بلکه مسکن خود را ترک کردند، او ایشان را با زنجیرهای ابدی در تاریکی برای داوری روز عظیم نگاه داشته است.» یهودا ۶.

«در پایان هزار سال، رستاخیز دوم روی خواهد داد. آنگاه شریران از میان مردگان برخیزانیده می‌شوند و برای اجرای «حکم مکتوب» در حضور خدا حاضر خواهند شد. بدین‌سان، مکاشفه‌گر پس از توصیف رستاخیز عادلان می‌گوید: «بقیه مردگان تا پایان هزار سال دیگر زنده نشدند.» مکاشفه ۲۰:۵. و اشعیا دربارهٔ شریران می‌گوید: «آنان همچون زندانیانی که در سیاه‌چال گردآوری می‌شوند، گردآوری خواهند شد و در زندان مجبوس خواهند شد، و پس از روزهای بسیار به آنان رسیدگی خواهد شد.» اشعیا ۲۲:۲۴.» مناقشه بزرگ، ۶۶۰، ۶۶۱.

از این رو روشن است که «خشمگین شدن ملت‌ها» به «زمان‌های پرآشوبی» اشاره دارد که پیش از پایان مهلت بر جهان فرا می‌رسند، و اینکه وقتی «ملت‌ها خشمگین می‌شوند»، آنان به‌طور هم‌زمان «مهار می‌شوند».

«دیدم که خشم ملت‌ها، غضب خدا، و زمان داوری مردگان از هم جدا و متمایز بودند و یکی در پی دیگری می‌آمدند.» نوشته‌های نخستین، ۳۶.

در آن هنگام که «ملت‌ها خشمگین می‌شوند»، باران پسین آغاز به باریدن می‌کند.

در آن زمان، در حالی که کار نجات رو به پایان است، مصیبت بر زمین خواهد آمد و ملت‌ها خشمگین خواهند شد، اما مهار می‌شوند تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان «باران آخر»، یا تجدید نیرو از حضور خداوند، خواهد آمد تا به صدای بلند فرشته سوم قدرت ببخشد و مقدسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، استوار بایستند. نوشته‌های نخستین، ۸۵.

زمانی فرا می‌رسد که «امت‌ها به خشم می‌آیند»، اما در همان حال «در مهار نگاه داشته می‌شوند.» آنگاه است که مسیح ملکوت جلال خود را برپا می‌کند، زیرا او ملکوت خود را در زمان باران پسین برپا می‌سازد.

باران پسین بر آنان که پاک‌اند در راه است—آنگاه همه آن را همچون پیش‌تر دریافت خواهند کرد.

هنگامی که چهار فرشته دست بردارند، مسیح پادشاهی خود را برپا خواهد کرد. هیچ‌کس باران واپسین را دریافت نمی‌کند جز آنان که هرچه از دستشان برمی‌آید انجام می‌دهند. اسپالدینگ و مگن، ۳.

دو بند پیشین از کتاب Early Writings نشان می‌دهند که وقتی ملت‌ها به خشم می‌آیند و هم‌زمان «مهار می‌شوند»، چهار فرشته چهار باد را بازمی‌دارند. از این رو، به خشم آمدن ملت‌ها به صورت «چهار باد» نمایانده شده است. او همچنین اشاره کرد که در زمانی که چهار فرشته ملت‌های خشمگین را مهار می‌کنند، باران پسین خواهد رسید. دوره‌ای از زمان که با آمدن باران پسین آغاز می‌شود—که همان هنگام خشمگین شدن ملت‌ها و در عین حال مهار شدنشان است—ادامه می‌یابد تا وقتی که میکائیل برخیزد و مهلت بشر پایان یابد. آن دوره زمانی، دوره‌ای است که فرصت نجات رو به پایان است؛ و بنابراین نمایانگر آخرین کار مسیح در قدس‌الاقداص است که به‌عنوان دوره‌ای شناخته می‌شود که در آن او یا گناهان مردمان را از کتاب‌های داوری می‌زداید یا نام‌هایشان را از آن کتاب‌ها محو می‌کند. آن بازه زمانی، هنگامی که فرشتگان چهار باد را نگه می‌دارند، زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است.

اسلام «وای سوم» همان قدرتی است که «ملت‌ها را به خشم می‌آورد»، و «وای سوم» در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، اما اسلام فوراً «مهار شد». «باد شرقی» نمادی از اسلام است، و اشعیا «باد شرقی» را همان «باد سخت» معرفی می‌کند که خدا آن را «بازمی‌دارد» (مهار می‌کند). جنگ افریزی اسلام بارها به صورت زنی در حال زایمان تصویر شده است، زیرا جنگی فزاینده است که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. هنگامی که فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد؛ نشانه‌اش فرو ریختن ساختمان‌های بزرگ شهر نیویورک بود.

اکنون چنین گفته می‌شود که من اعلام کرده‌ام نیویورک قرار است با موجی جزرومدی روییده شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. من گفته‌ام، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی می‌نگریستم که در آن‌جا طبقه پشت طبقه قد می‌کشند، «چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد وقتی خداوند برخیزد تا زمین را سخت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت.» سراسر فصل هجدهم مکاشفه هشدار است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد، نوری خاص ندارم؛ فقط می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آن‌جا با زیر و رو کردن قدرت خدا به زیر افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده، می‌دانم که ویرانی در جهان هست. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای عظیم فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آن را نمی‌توانیم تصور کنیم. Review and Herald، ۵ ژوئیه ۱۹۰۶.

در نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰، اسلام به صورت «اسب‌های جنگی» نمایش داده شده است. در باب نهم مکاشفه، که در آن اسلام وای نخست و دوم مطرح شده است، ماهیت اسلام با نام پادشاه اسلام مشخص می‌شود.

و پادشاهی بر ایشان بود که فرشته‌هاویه است؛ نام او به عبری ابدون و به یونانی آپولیون است. مکاشفه ۹:۱۱.

این آیه که فصل نهم، آیه یازدهم است، به صورت پیش‌گویانه مشخص می‌کند که چه در عهد عتیق (عبری) و چه در عهد جدید (یونانی)، ماهیت اسلام «ابدون» یا «آپولیون» است. هر دو نام به معنای «ویرانی و مرگ» هستند.

"فرشتگان چهار باد را نگه می‌دارند؛ این چهار باد به صورت اسبی خشمگین تصویر شده است که می‌کوشد از بند رها شود و بر روی تمام زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ به همراه دارد." انتشارهای نسخه خطی، جلد ۲۰، ۲۱۷.

چهار باد، اسب خشمگین پیشگویی‌های کتاب مقدس است که می‌کوشد از بند رها شود. یکی از ویژگی‌های نبوی این اسب خشمگین این است که مهار شده است، اما می‌کوشد از بند رها شود و

«ویرانی و مرگ» را بر سراسر زمین بیاورد.

ما در مقاله بعدی نیز به این موضوعات خواهیم پرداخت.

ای کاش قوم خدا درکی از ویرانی قریب‌الوقوع هزاران شهر، که اکنون تقریباً به بت‌پرستی سپرده شده‌اند، داشتند! اما بسیاری از کسانی که باید حقیقت را اعلام کنند، برادران خویش را متهم و محکوم می‌کنند. وقتی قدرت دگرگون‌ساز خدا بر اذهان نازل شود، دگرگونی قاطعی رخ خواهد داد. مردم دیگر میلی به انتقاد و تخریب نخواهند داشت. در موضعی نخواهند ایستاد که مانع تابش نور به جهان شود. انتقادات و اتهام‌زنی‌هایشان پایان خواهد یافت. قوای دشمن برای نبرد بسیج می‌شوند. درگیری‌های سختی پیش روست. به هم نزدیک شوید، ای برادران و خواهران من، به هم نزدیک شوید. با مسیح پیوند یابید. "نگوید: هم‌پیمانی است ... و از ترس آنان مترسید و بیمناک نشوید. خود خداوند لشکرها را تقدیس کنید؛ او ترس شما و هراس شما باشد. و او برای شما مقدسگاهی خواهد بود؛ اما برای هر دو خاندان اسرائیل سنگی لغزش‌آور و صخره‌ای مایه افتادن، و برای ساکنان اورشلیم دام و تله‌ای خواهد بود. و بسیاری از ایشان خواهند لغزید و خواهند افتاد و شکسته خواهند شد و به دام خواهند افتاد و گرفتار خواهند گشت."

دنیا صحنه نمایش است. بازیگران، یعنی ساکنان آن، در حال آماده شدن‌اند تا نقش خود را در آخرین نمایش بزرگ ایفا کنند. خدا از نظرها دور مانده است. در میان توده‌های عظیم بشر وحدتی وجود ندارد، مگر آن‌که مردم برای تحقق مقاصد خودخواهانه خود با هم متحد شوند. خدا ناظر است. مقاصد او درباره بندگان یاغی‌اش تحقق خواهد یافت. جهان به دست انسان‌ها سپرده نشده است، هرچند خدا اجازه داده است عناصر آشفتگی و بی‌نظمی برای مدتی حاکم باشند. قدرتی از عالم زیرین در کار است تا آخرین صحنه‌های بزرگ این نمایش را پدید آورد—شیطان که چون مسیح می‌آید و با همه فریبندگی شرارت در کسانی عمل می‌کند که خود را در انجمن‌های مخفی به هم می‌پیوندند. آنان که در برابر اشتیاق هم‌پیمانی تسلیم می‌شوند، در حال به ثمر رساندن طرح‌های دشمن‌اند. اثر در پی علت خواهد آمد.

بی‌قانونی تقریباً به اوج خود رسیده است. آشفتگی جهان را فرا گرفته است و به زودی وحشتی عظیم بر انسان‌ها فرود خواهد آمد. پایان بسیار نزدیک است. ما که حقیقت را می‌شناسیم باید خود را برای آنچه به زودی چون غافلگیری درهم‌شکننده‌ای بر جهان فرود خواهد آمد آماده کنیم. ریویو اند هرالد، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۳.